

نقد مقاله «تحلیل و نقد یکی از فقره‌های نسخه رایج زیارت عاشورا»

سیدمهدی محمودی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۲۳)

چکیده

سال‌هاست فقره پایانی زیارت عاشورای مشهور، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. برخی برای «اصالت‌نداشتن» آن دلایلی ارائه کرده‌اند و پاسخ‌هایی به آنان داده شده است. در مقاله «تحلیل و نقد یکی از فقره‌های نسخه رایج زیارت عاشورا»، که در سال ۱۳۹۲ در دوفصلنامه علمی-پژوهشی کتاب قیم منتشر شده است، نویسندگان کوشیده‌اند با معیارهای چهارگانه اثبات کنند؛ فقره پایانی زیارت عاشورا در کامل‌الزیارات و نیز نسخه‌های کهن مصباح‌المتهجد شیخ طوسی، که مشتمل بر عبارت «أَبْدَأُ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِيَّ وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ» نیست، نسبت به نسخه‌های متأخر مصباح‌المتهجد، که مشتمل بر این عبارت است، ترجیح دارد. نگارنده در پژوهش پیش‌رو، به نقد و بررسی دلایل ارائه‌شده در این مقاله پرداخته است.

کلید واژه‌ها: زیارت عاشورا، تبری، تقیه، کامل‌الزیارات، مصباح‌المتهجد.

درآمد

زیارت عاشورا، شعار شیعه است. در این زیارت، دو رکن بنیادین «تولّی» و «تبری» مورد توجه قرار گرفته است که حقیقتاً، هویت شیعه را بنیان می‌نهند. در زیارت عاشورای مشهور، «تولّی» و «تبری» در قالب عبارتهای خاصی به شیعیان تعلیم شده است که هرکدام مفاهیم خاص خود را دارند. لازم است، به‌ویژه در این‌گونه موارد، عبارات اصیل و معتبر اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسیم تا بتوانیم به‌شکلی درست، از آن پاک‌سیرتان پیروی کنیم.

از آنجا که در مقاله مورد نقد، فقره پایانی زیارت عاشورای مشهور، کم‌اعتبار و مرجوح قلمداد شده است، پرداختن به این مدعا و نقد و بررسی دلایل ارائه شده برای آن، ضروری می‌نماید.

نگارنده این پژوهش، ضمن ارج نهادن به زحمات نویسندگان گرامی در ۱۱ مورد، مطالبی را در نقد و نظر نسبت این مقاله تقدیم می‌کند.

در مقاله مورد نقد، زیارت عاشورای نقل شده در کامل‌الزیارات، نگارش «الف» و زیارت عاشورای مشهور نقل شده در مصباح‌المتجهّد، نگارش «ب» نام‌گذاری شده است. در این مقاله نقد نیز برای اختصار از همین دو نام بهره می‌بریم.

۱. ضرورت توجه به تولّی و تبری

در صفحه ۱۵۸ در زیر عنوان «طرح مسئله»، به درستی به دو موضوع مهم اشاره شده است: یکی، ضرورت تقیه و مدارا در ارتباط با مخالفان و دیگری، ضرورت توجه به اصل مهم تبری که هر دو مستند به آیات و روایات فراوان و در حد تواتر است.

۲. توجه کمتر به نقل کامل‌الزیارات

در صفحه ۱۵۹ در زیر عنوان «نسخه‌های کهن زیارت عاشورا» آمده است: این نگارش [نگارش «الف»]، به‌رغم اعتبار و قدمت، کمتر مورد توجه جامعه شیعی قرار گرفته است. طبق جست‌وجوی ما در میان کتب دعای معاصر نیز تنها

«منتخب الأدعیه» که زیر نظر علامه سیدمرتضی عسکری تدوین شده، از این نگارش استفاده کرده است. یکی از ویژگی‌های این نگارش، این است که عبارت «اللَّهُمَّ خُصَّ...» را به صورت زیر دارد:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَى ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِالْعَنِّ، ثُمَّ الْعَنَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ. اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدُ وَابَاءُ». در این نگارش، از شماره گذاری‌های متوالی خبری نیست. بخش‌های دیگر این نگارش نیز با نگارش رایج تفاوت‌های لفظی (بیش از اختلاف نسخه) دارد. لذا آن را متن یا نگارشی مستقل به‌شمار می‌آوریم.

نقد و بررسی:

جا داشت مؤلفان محترم که دریافته‌اند نگارش «الف» کمتر مورد توجه جامعه شیعی قرار گرفته است، این موضوع را پی‌می‌گرفتند که چرا باید زیارت عاشورایی که در کامل‌الزیارات نقل شده است، کمتر مورد توجه واقع شده باشد؟ درخور توجه است که در این مقاله برای نگارش «الف» به‌جز خود کامل‌الزیارات، تنها دو منبع دیگر ذکر شده است:

نخست: بحار الأنوار تألیف علامه مجلسی که یک‌جامع حدیثی است و طبعاً باید افزون بر نگارش «ب»، نگارش «الف» را نیز در بر داشته باشد؛ وگرنه آن محدث بزرگوار در کتاب‌های مستقل دعای خود، یعنی زادالمعاد و تحفه‌الزائر به‌نگارش «ب» اکتفا کرده و نگارش «الف» را نقل نکرده است.

دوم: کتاب شفاء الصدور تألیف میرزا ابوالفضل طهرانی که شرح زیارت عاشوراست و طبیعی است که باید افزون بر نگارش «ب»، نگارش «الف» را نیز داشته باشد؛ همان‌گونه که در این کتاب، زیارت عاشورای غیرمعروفه نیز نقل شده است. بنابراین، شاهد هستیم که در گذشته هیچ‌یک از عالمان بزرگوار شیعه، نگارش «الف» را در کتاب‌های دعا و زیارت خویش نقل نکرده‌اند و آن را ترجیح نداده‌اند.

اکنون باید اندیشید در اینکه:

اولاً: چرا خود شیخ طوسی در مصباح‌المتهجد، زیارت عاشورای نقل شده در کامل‌الزیارات را نقل نکرده است؟

ثانیاً: چرا عالمان بزرگی که پس از شیخ طوسی کتاب‌های دعا و زیارت تألیف کرده‌اند، هیچ‌کدام نگارش «الف» را ترجیح نداده‌اند و تنها نگارش «ب» را نقل کرده‌اند؛ دانشمندانی مانند، ابن مشهدی (م ۶۱۰) در المزار الکبیر، مؤلف مزار قدیم (زنده در قرن ۶) در المزار من الزیارات للنبی و الأئمة علیهم افضل الصلوات، تمیمی سبزواری (زنده در ۵۴۰) در ذخیره‌الآخرة، سید ابن طاووس (م ۶۶۴) در مصباح‌الزائر، کفعمی (م ۹۰۵) در المصباح و نیز در البلد‌الأمین، علامه مجلسی در زادالمعاد و نیز در تحفه‌الزائر.

آیا گزینش نگارش «ب» در این کتاب‌ها، نشان نمی‌دهد که آن دانشمندان گران‌قدر، نگارش «ب» را بر نگارش «الف» ترجیح داده‌اند؟ اگر چنین است باید بررسی کنیم که دلیل این ترجیح چه بوده است؟ آیا آن عالمان و محدثان بزرگ شیعه، به معیارهای ترجیحی که ما آن‌ها را ملاک دانسته‌ایم، آگاه نبوده‌اند؟ آیا آنان نمی‌دانستند که کامل‌الزیارات نسبت به مصباح‌المتهجد قدمت بیشتری دارد؟ آیا وثاقت و مقام والای علمی ابن قولویه برای آنان روشن نبوده است؟

یکی از احتمال‌های موجه برای ترجیح نگارش «ب» بر نگارش «الف» در نزد آن عالمان سترگ، این است که آنان می‌دانستند در فقره پایانی زیارت عاشورای نگارش «الف»، تقیه رخ داده است؛ به همین سبب اصالت ندارد؛ اما صرف نظر از اینکه دلیل ترجیح چه چیزی بوده است، می‌دانیم آنان با اینکه از ما به‌متون معتبر و کهن دسترسی بهتری داشته‌اند، قدر مسلم، نگارش «الف» را ترجیح نداده‌اند. اکنون ما با استناد به کدامین دلیل یا شاهد، بر خلاف گزینش و روش آن عالمان بزرگ، نگارش «الف» را بر نگارش «ب» ترجیح داده‌ایم؟

در ادامه خواهیم دانست که دلیل‌های یادشده در مقاله «تحلیل و نقد یکی از فقره‌های نسخه رایج زیارت عاشورا»، به‌هیچ‌وجه ترجیح نگارش «الف» بر نگارش «ب» را اثبات نمی‌کند.

۱. نگارنده، در کتاب زیارت عاشورا از آغاز تا امروز از صفحه ۲۷۷-۳۱۰، شواهد وقوع تقیه در فقره پایانی زیارت عاشورای کامل‌الزیارات را به تفصیل بیان کرده است.

۳. توجه به کامل‌الزیارات در گذشته

در صفحه ۱۶۰ می‌خوانیم:

از فهرست منابعی که در بالا ذکر شد، چنین برمی‌آید که نگارش «ب» در گذشته و حال مشهورتر و متداول‌تر بوده است؛ ولی نگارش «الف» اگرچه در گذشته مورد توجه برخی از عالمان بوده؛ ولی در حال حاضر، تقریباً مهجور است.

نقد و بررسی:

با بیانی که در مورد ۲ گذشت، دانستیم زیارت عاشورای کامل‌الزیارات (نگارش «الف») در گذشته، یعنی از زمانه شیخ طوسی نیز مورد توجه عالمان نبوده و مهجور بوده است.

۴. استقلال دو نقل زیارت عاشورا

در ادامه عبارات صفحه ۱۵۹ می‌خوانیم:

... بخش‌های دیگر این نگارش [نگارش «الف»]، نیز با نگارش رایج تفاوت‌های لفظی (بیش از اختلاف نسخه) دارد. لذا آن را متن یا نگارشی مستقل به‌شمار می‌آوریم.

نقد و بررسی:

برخلاف بیانی که در این بخش از مقاله آمده است، زیارت عاشورای نگارش «الف» و زیارت عاشورای نگارش «ب»، دو زیارت عاشورای متفاوت و مستقل، به‌گونه‌ای که جداگانه تعلیم شده باشد، نیست. این دو نگارش، صدور واحدی دارد؛ زیرا راویان نخستین در هر دو کتاب، متحدند؛ در هر دو کتاب صالح‌بن عقیبه و سیف‌بن عمیره این زیارت را از علقمه‌بن محمد حضرمی روایت کرده‌اند. همچنین در هر دو کتاب «مروی» عنده، یعنی حضرت امام محمدباقر علیه السلام متحد است. نیز الفاظ زیارت عاشورا در دو کتاب به‌جز، مواردی که به‌اختلاف نسخه یا تقیه مربوط است، تفاوتی ندارد. اتحاد «راویان نخستین»، «مروی» عنده و «الفاظ زیارت عاشورا» در دو کتاب، «وحدت صدور» را نشان می‌دهد و اگر کسی این دو زیارت را متفاوت بداند، باید دلیل اقامه کند.

میرزا ابوالفضل تهرانی به اتحاد صدور دو نقل زیارت عاشورا در کامل‌الزیارات و مصباح‌المتهجد تصریح کرده است.^۱ از بیان شیخ محمدتقی تستری نیز دانسته می‌شود که از دیدگاه ایشان، این دو نقل صدور واحدی داشته است.^۲

۵. استناد به نسخه نقاش رازی

در صفحه ۱۶۰ و ۱۶۱ در زیر عنوان نسخه‌های متعدد متن «ب» آمده است: نگارش «ب»، خود دارای چند نسخه است؛ زیرا مصباح‌المتهجد نسخه‌های متعددی دارد. این نسخه‌ها در مورد ادامه عبارت «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ...» بر دو گونه هستند: (۱). قدیم‌ترین نسخه شناخته‌شده از مصباح‌المتهجد عبارت مورد نظر را چنین دارد: «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ. اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ وَعَبِيدَ اللَّهِ...» ... این نسخه خطی در آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است و از نظر قدمت کم‌نظیر یا بی‌نظیر است و به حدود ۴۰ سال پس از وفات مؤلف - یعنی حدود سال ۵۰۰ ق - برمی‌گردد.

نقد و بررسی:

در این قسمت از مقاله، عبارت فقره پایانی زیارت عاشورا از کهن‌ترین نسخه خطی مصباح‌المتهجد (نسخه کتابت‌شده از سوی نقاش رازی در سال ۵۰۲ قمری) نقل شده است، اما نکته مهم این است که عبارت یادشده، در متن آن نسخه نیامده و در قرن‌های بعدی با خطی کاملاً متفاوت و متأخر از جهت نوع کتابت، به آن نسخه افزوده شده است. (تصویر ضمیمه شماره ۱).
 در نتیجه، این بخش از مقاله سه اشکال دارد:

۱. بیان غیردقیق برای کتابت نسخه نقاش رازی (حدود ۵۰۰ قمری)؛ در حالی که در

۱. شفاء‌الصدور فی شرح زیارة العاشور، الطهرانی، ج ۱: ۸۲.

۲. الأخبار الدخيلة، التستری، ج ۱: ۲۵۵ - ۲۵۶.

انجامه این نسخه، تاریخ کتابت به‌طور دقیق ۵۰۲ قمری یاد شده است.

۲. هم‌زمان دانستن کتابت «متن» و «حاشیه» در این صفحه از نسخه نقاش رازی.

۳. اصالت‌بخشیدن به حاشیه کتاب؛ در حالی که آنچه در حاشیه مصباح‌المتهدجد در قرن‌های بعدی از سوی اشخاص دیگر کتابت‌شده، مستند به مصنف کتاب نیست و ارتباطی با کتاب مصباح‌المتهدجد ندارد.

در ادامه مقاله، اشاره شده است که آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی یک نسخه مصباح‌المتهدجد را با نسخه نقاش رازی مقابله کرده‌اند و این حاکی از اهمیت آن نسخه در نظر ایشان است، به‌ویژه که قدمت این نسخه بیش از همه نسخه‌های شناخته شده دیگر است.

جالب است بدانیم، آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی در همان نسخه چاپ سنگی مصباح‌المتهدجد که آن را با چند نسخه خطی مقابله کرده‌اند، خودشان در حاشیه نوشته‌اند که فقره‌های پایانی زیارت عاشورا در نسخه نقاش رازی با خطی متفاوت با خط متن، در حاشیه آمده است! (تصویر ضمیمه شماره ۲)

به‌باور نویسنده این سطور، عبارت نگاشته‌شده در حاشیه نسخه نقاش رازی، مانند نمونه‌های فراوانی که در کتاب زیارت عاشورا، از آغاز تا امروز ارائه شده^۱، نمایان‌گر رازداری کاتبان در فقره پایانی زیارت عاشورا است.

۶. معیار قدمت

در صفحه ۱۶۱ می‌خوانیم:

۳. انتساب گونه‌های مختلف عبارت «اللهم خُصَّ...» به معصوم علیه‌السلام

گفته شد: عبارت «اللهم خُصَّ...» در زیارت عاشورا به سه گونه نقل شده است.

اکنون برای سنجش میزان احتمال انتساب هر یک به معصوم علیه‌السلام می‌توان از معیارهای

زیر بهره برد:

۱. زیارت عاشورا از آغاز تا امروز، محمودی: ۱۰۵-۱۳۳.

۳-۱. معیار قدمت

الف). گونهٔ مربوط به کامل‌الزیارات (تألیف قبل از سال ۳۶۹ ق):
 «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَىٰ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ، ثُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ وَأَبَاهُ وَالْعَنُ عُيَيْدَ اللَّهِ...».

ب). گونهٔ مربوط به قدیم‌ترین نسخهٔ مصباح‌المتهجده (تألیف قبل از سال ۴۶۰ ق):
 «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَىٰ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْتَدَأَ بِهِ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ. اللَّهُمَّ الْعَنُ
 يَزِيدَ وَعُيَيْدَ اللَّهِ...» کتابت این نسخه، مربوط به سال ۵۰۰ ق. یعنی ۴۰ سال پس از
 وفات مؤلف کتاب است.

ج). گونهٔ مربوط به نسخه‌های متأخر مصباح‌المتهجده:
 «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَىٰ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْتَدَأَ بِهِ أَوْلَىٰ ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثَ وَالرَّابِعَ،
 اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ خَامِسًا وَالْعَنُ عُيَيْدَ اللَّهِ...». کهن‌ترین نسخهٔ اینگونه که مورد استفاده
 مصحح قرار گرفته مربوط به سال ۱۰۸۲ ق. است.

روشن است که نسخهٔ کهن‌تر معتبرتر است؛ مگر از جهات دیگر دچار مشکل باشد؛
 مثلاً آثار تحریف در آن هویدا باشد. از آنجا که چنین مشکلی دربارهٔ نسخه‌های کهن
 مورد گفتگوی ما گزارش نشده است بنابراین، گونهٔ «الف» و «ب»، به علت قدمت بیشتر،
 معتبرتر از گونهٔ «ج» خواهند بود.

نقد و بررسی:

الف). تردیدی نیست که کامل‌الزیارات حدود یک‌قرن پیش از مصباح‌المتهجده
 تألیف شد و بر مصباح‌المتهجده تقدم زمانی دارد؛ اما این قدمت، عبارات پایانی زیارت
 عاشورای کامل‌الزیارات را نسبت به مصباح‌المتهجده برتری نمی‌بخشد؛ زیرا فقرهٔ پایانی
 زیارت عاشورا بر اساس شواهد و نسخه‌های خطی فراوان، در معرض تقیهٔ کاتبان و
 عالمان شیعه بوده است و دور از ذهن نیست که به دلیل تقیه، این عبارات در
 کامل‌الزیارات تغییر یافته باشد. زمانهٔ تألیف کامل‌الزیارات در بغداد در اواخر عمر ابن
 قولویه، دوران درگیری‌های خونین میان اهل تسنن و شیعیان به دلیل اظهار شعائر شیعی

در روز عاشورا و عید غدیر بوده و احتمال تقیه آن دانشمند بزرگ در نقل فقره پایانی زیارت عاشورا کاملاً موجه است.^۱ از سوی دیگر، دانستیم که زیارت عاشورا در کامل‌الزیارت، زیارت مستقلی نیست و با زیارت عاشورای مصباح‌المتهدج یک‌صورت دارد؛ پس ناچار باید یکی از دو نقل دستخوش تغییر شده باشد.

وجود اشکال بلاغی و نیز اشکال مفهومی در نگارش «الف»، وقوع تغییر در آن را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که این اشکال در نگارش «ب» نیست.^۲

افزون بر اینکه، کهن‌ترین نسخه خطی کامل‌الزیارات که تاکنون شناخته شده، در قرن نهم قمری کتابت شده است و تاریخش تا زمانه مصنف، حدود پانصد سال فاصله دارد! بنابراین، احتمال وقوع تقیه کاتبان در این فقره زیارت عاشورا، در قرن‌های بعدی نیز وجود دارد. اکنون، چگونه می‌توانیم احتمال وقوع تقیه در نگارش «الف» را نفی کنیم، درحالی‌که این فقره در طول قرن‌های متمادی در معرض تقیه بوده است.

درخور توجه است: اگر - براساس عبارت نقل‌شده در بالا - مبنای اعتبار، قدمت نسخه باشد، برعکس آنچه ادعا شده است، زیارت عاشورای مشهور بر زیارت عاشورای کامل‌الزیارات ترجیح دارد؛ زیرا نسخه معتبر مختصر مصباح‌المتهدج که در سطرهای آینده معرفی خواهد شد و زیارت عاشورا مطابق مشهور در آن کتابت شده، متعلق به قرن ششم است؛ درحالی‌که کهن‌ترین نسخه کامل‌الزیارات در قرن نهم استنساخ شده است.

ب). چنان‌که دانستیم، نسخه نقاش رازی در سال ۵۰۲ قمری کتابت شده و نسبت‌دادن آن به سال ۵۰۰ قمری درست نیست. افزون بر اینکه بر اساس آنچه شرحش گذشت، گونه «ج» در متن نسخه نقاش رازی نیست و در حاشیه آن نسخه آمده است.

ج). در مقاله مورد نقد، عبارت مشهور فقره پایانی چنین معرفی شده است:

۱. بنگرید به: *الکامل فی التاریخ*، ابن الأثیر، ج ۸: ۶۳۲؛ *تاریخ الإسلام*، الذهبی، ج ۲۷: ۱۱ - ۱۲؛ *تجارب‌الأمم*، ابوعلی مسکویه الرازی، ج ۷: ۴۰۱؛ *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، ابن الجوزی، ج ۱۵: ۱۲۵؛ *العبر فی خبر من عبر*، الذهبی، ج ۳: ۱۲۴.

۲. توضیح این دو اشکال در نقد و بررسی مورد ۹ (معیار سازگاری عبارت مورد نظر با بقیه متن) خواهد آمد.

گونه مربوط به نسخه‌های متأخر مصباح‌المتهجد:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ أَبْدَأُ بِهِ أَوْلًا تُمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ،
اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِساً وَ الْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ...». کهن‌ترین نسخه این‌گونه که مورد
استفاده مصحح قرار گرفته مربوط به سال ۱۰۸۲ ق. است.

شگفت است! نویسندگان با چه مستندی فقره پایانی زیارت عاشورای مشهور را
به نسخه‌های متأخر نسبت داده‌اند؟ آیا همین مقدار که مصحح مصباح‌المتهجد، فقره
پایانی زیارت عاشورای مشهور را براساس نسخه کتابت‌شده در سال ۱۰۸۲ در متن
تصحیح‌شده خود آورده است^۱، نشان می‌دهد که این نقل در نسخه کهن‌تری موجود
نیست؟ آیا لازم نیست برای چنین ادعایی، نسخه‌های فراوان خطی مصباح‌المتهجد را
بررسی کنیم؟

در کتاب زیارت عاشورا از آغاز تا امروز از قرن ششم تا سال ۱۰۸۲ قمری، ۵۵
نسخه خطی و در مجموع تا قرن سیزدهم قمری، ۱۱۰ نسخه خطی مصباح‌المتهجد و
مختصر مصباح‌المتهجد ارائه شده که در همه آن‌ها، فقره پایانی زیارت عاشورا مطابق
مشهور کتابت شده است. مهم‌ترین آن‌ها، نسخه خطی بسیار کهن و معتبر مختصر
مصباح‌المتهجد به خط عالم بزرگوار شیعه در قرن ششم قمری: علی بن سکون حلّی
است. این نسخه کتابت‌شده از سوی ابن سکون از چنان اهمیتی برخوردار است که
به تنهایی برای اثبات اعتبار فقره پایانی زیارت عاشورای مشهور کافی است.^۲ (تصویر
ضمیمه شماره ۳)

۷. معیار اعتبار منبع

در صفحه ۱۶۴ در زیر عنوان «معیار اعتبار منبع» می‌خوانیم:

... بعید نیست شیخ طوسی (ره) در مصباح‌المتهجد، از همان شیوه معمول علما مبنی
بر «آسان‌گیری در ادله سنن و مستحبات» استفاده کرده باشد؛ اما درباره کتاب

۱. مصباح‌المتهجد، الشیخ الطوسی: ۷۷۶.

۲. بنگرید به: زیارت عاشورا از آغاز تا امروز، محمودی: ۳۳۲ - ۴۰۴.

کامل‌الزیارات، این احتمال ضعیف یا منتفی است؛ زیرا ابن قولویه در مقدمه کتابش، صریحاً، خود را ملتزم به پرهیز از تسامح نموده است. بنابراین، می‌توان احتمال داد که هرگاه بین زیارت‌های مشترک بین کامل‌الزیارات و مصباح‌المتهجد اختلاف نسخه وجود داشته باشد، متن و سندی که ابن قولویه برگزیده و نقل کرده از دقت بیشتری برخوردار باشد - مگر آن که شواهد دیگری بر خلاف آن موجود باشد.

نقد و بررسی:

این سخن، به‌ویژه درباره زیارت عاشورا صحیح نیست؛ زیرا عالمان رجالی تصریح کرده‌اند که شیخ طوسی در نقل زیارت عاشورا دست کم، دو طریق متصل دارد. آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی از میان چهارسند برای زیارت عاشورا که دو سند آن در کامل‌الزیارات و دو سند دیگر آن در مصباح‌المتهجد آمده است؛ تنها طریق دوم شیخ طوسی در مصباح‌المتهجد را براساس سخت‌گیرانه‌ترین رویکرد رجالی صحیح می‌دانند.^۱

با این رویکرد رجالی (روش توثیق سندی)، دو سند یادشده در کامل‌الزیارات به‌اندازه سند دوم شیخ طوسی در مصباح‌المتهجد معتبر نیست؛ بنابراین براساس «معیار اعتبار منبع» نیز، زیارت عاشورای مشهور که در مصباح‌المتهجد نقل شده است، ترجیح می‌یابد؛ گرچه براساس «روش توثیق صدوری»، زیارت عاشورا در نقل‌های مختلف، از معتبرترین زیارت‌هاست.

۸. وجود دو نگارش از زیارت عاشورا در عصر شیخ طوسی

در ادامه می‌خوانیم:

درباره زیارت عاشورا نیز در عصر ابن قولویه و شیخ طوسی، دست کم دو نگارش روایت می‌شده که هریک از این دو مؤلف، یک‌نگارش را طبق ذوق خود برگزیده‌اند و احتمالاً، انتخاب ابن قولویه باید از سختگیری بیشتری برخوردار بوده

۱. جرعه‌ای از دریا، شبیری زنجانی، ج ۱: ۲۵۲.

باشد. بنابراین، برپایه معیارهای ارزیابی منبع، نسخه منقول در کامل‌الزیارات در خصوص عبارت «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ...» رجحان می‌یابد.

نقد و بررسی:

با توضیحی که درباره احتمال تقیه ابن قولویه و همچنین احتمال تقیه کاتبان در کامل‌الزیارات گذشت و نیز اینکه کهن‌ترین نسخه خطی شناخته‌شده از کامل‌الزیارات در قرن نهم قمری کتابت شده است، همچنین با توجه به «وحدت صدور» در نقل زیارت عاشورا در دو کتاب، چگونه می‌توانیم با قاطعیت ادعا کنیم که در عصر ابن قولویه و شیخ طوسی دست کم، دو نگارش از زیارت عاشورا روایت می‌شده که هریک از دو مؤلف، یک‌نگارش را طبق ذوق خود برگزیده‌اند؟

۹. معیار سازگاری عبارت مورد نظر با بقیه متن

در صفحه ۱۶۶ می‌خوانیم:

۳-۴. معیار سازگاری عبارت مورد نظر با بقیه متن

در صورت مقایسه هریک از وجوه سه‌گانه‌ای که برای عبارت «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ...» نقل شده با بقیه عبارات زیارت عاشورا در نسخه متأخر (متن ب) متوجه این ناسازگاری خواهیم شد که در عبارت «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّغْنِ مِنِّي وَ أَبْدَأُ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِيَّ وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا»، وجه درستی برای واژه «الرابع» نمی‌توان یافت؛ زیرا مراد از آن یا - طبق تصور عموم شیعیان - معاویه است یا - طبق وجهی بعید - عبدالرحمن بن ملجم (قاتل امام علی) است و هرکدام باشد دلیلی برای ذکر عدد «الرابع» به‌جای تصریح به نام شخص وجود ندارد؛ زیرا معاویه در بخش دیگری از همین زیارت، به‌صراحت نام برده شده و ابن ملجم نیز از شخصیت‌های مقدس نزد مخالفان نیست که به‌دلیل تقیه، نامش برده نشود و در نتیجه، کلمه «الرابع» با بقیه این زیارت تناسب ندارد. گویا کسی که این کلمه را ذکر کرده فراموش کرده که چند سطر پیش نام معاویه بدون هیچ‌گونه پرده‌پوشی آمده بود. این ناسازگاری در نسخه



کهن‌تر متن «ب» و نیز در متن «الف» وجود ندارد؛ زیرا در آنها اساساً شماره‌های متوالی دیده نمی‌شود ...

طبق این معیار، متن «الف» و نسخه کهن‌تر متن «ب» در مورد این عبارت از ناسازگاری و اضطراب عاری هستند. از این‌رو، بر نسخه‌های متأخر متن «ب» (نسخه رایج) رجحان دارند.

نقد و بررسی:

در متن زیارت عاشورای مشهور، هیچ‌گونه ناسازگاری وجود ندارد. درست است که پیش از کلمه «الرابع» در زیارت عاشورا «معاویه» بی‌پرده لعن شده است؛ اما این احتمال کاملاً موجه است که در کنار سه‌نام رمزی دیگر، برای ایجاد تقیه بیشتر در مورد آن سه‌نام رمزی، نام معاویه نیز به صورت رمزی یاد شده باشد. با این احتمال، براساس «معیار سازگاری عبارت مورد نظر با بقیه متن» هم ترجیحی برای متن «الف» و متن «ب» ایجاد نمی‌شود.

برخلاف آنچه در این بخش از مقاله مورد نقد مطرح شده، حق این است که فقره پایانی زیارت عاشورا در کامل‌الزیارات با سایر عبارات در این زیارت ناسازگاری دارد؛ این فقره در کامل‌الزیارات دارای «اشکال مفهومی» است؛ زیرا فقره پایانی در کامل‌الزیارات چنین است:

اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ، ثُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.
اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ وَآبَاءَهُ، وَالْعَنُ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَبَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱

خداوندا! نخستین ستمگری که به آل پیامبرت ستم کرده است را به لعن اختصاص ده! سپس دشمنان آل محمد را از نخست تا پایان از رحمت خویش دور کن!
خداوندا! یزید و پدرش را از رحمت دور کن و عبیدالله بن زیاد و آل مروان و بنی‌امیه را تا روز قیامت از رحمت خود دور فرما!

در این فقره، در آغاز از خداوند متعال درخواست شده است که نخستین ستم‌کننده

۱. کامل‌الزیارات، ابن قولویه: ۳۳۲.

به‌خاندان پیامبر ﷺ را به‌شکل خاص از رحمت خویش دور کند. سپس دشمنان آل پیامبر ﷺ به‌شکل فراگیر لعن شده‌اند. اکنون با ریزبینی در عبارت «اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ» - که عبارت «... ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ خَامِساً...» پس از آن مشاهده نمی‌شود - این پرسش مطرح می‌شود: نخستین ستمگری که به آل پیامبر ﷺ جفا کرده است، چه ویژگی‌ای دارد که در زیارت عاشورا درخواست می‌کنیم به‌شکل خاص، لعن الهی او را فراگیرد؟ چه تفاوتی میان او و دیگر ستمگران به آل پیامبر ﷺ وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش، تنها احتمال درست این است که بگوییم: ویژگی نخستین ستمگر، بنیان‌گذاری ظلم است. او راه ستمگری را برای دیگران گشوده است؛ اما در اینجا یک‌اشکال در ذهن پیدا می‌شود:

ظهور ترکیب «أَوْلَ ظَالِمٍ» نشان می‌دهد که گوینده با بیان این عبارت، «یک‌شخص معین» را اراده کرده است و دلالت «أَوْلَ ظَالِمٍ» بر دو یا چند نفر حتی به‌شکل بدلی صحیح نیست؛ اما از سوی دیگر، می‌دانیم که پایه‌گذاران ظلم به آل پیامبر ﷺ افراد متعددی بوده‌اند و این بنیان‌شوم به یک‌فرد معین اختصاص ندارد. بهترین دلیل برای اثبات این مدعا، عبارت خود زیارت عاشورا است که می‌خوانیم: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أُسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ...»؛ در این عبارت، بنیان‌گذاران ظلم با عنوان «امت» و «گروه» معرفی شده‌اند؛ بنابراین اختصاص دادن لعن به یک «فرد معین» به‌عنوان بنیان‌گذار ظلم، که از عبارت نقل شده در کامل‌الزیارات فهمیده می‌شود، با عبارت یادشده در خود زیارت عاشورا ناسازگاری دارد و نمی‌تواند صحیح باشد.

توجه به این نکته لازم است که این ناسازگاری در عبارت زیارت عاشورای مشهور در مصباح‌المتهجد وجود ندارد؛ زیرا در آنجا «أَوْلَ ظَالِمٍ» به‌قرینه عبارت «... ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ خَامِساً...» به‌معنای بنیان‌گذار ظلم نیست. بنابراین، احتمال وقوع تقیّه در عبارت کامل‌الزیارات تقویت می‌شود و عبارت مصباح‌المتهجد ترجیح می‌یابد؛ زیرا کلمات اهل‌بیت ﷺ که امرای کلام هستند، در اوج اتقان و فصاحت

و بلاغت است و از چنین اشکال‌هایی مبراست.

افزون بر ناسازگاری مفهومی که در عبارت فقره پایانی زیارت عاشورا در کامل‌الزیارات بیان شد، آن عبارت، اشکال دیگری نیز دارد و آن، «اشکال بلاغی» است که در زیر به بیان این اشکال می‌پردازیم:

در فقره پایانی زیارت عاشورا در کامل‌الزیارات، در ابتدا نخستین ستمگر به شکل ویژه نفرین شده است: «اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ»؛ روشن است که در این عبارت، مصداق خاصی قصد شده، گرچه به صورت رمزی بیان شده است. پس از این نفرین خاص، دشمنان آل پیامبر ﷺ از اولین تا آخرین نفرین شده‌اند: «ثُمَّ أَلْعَنُ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ»؛ این نفرین عام است و همه مصداق‌ها را دربر می‌گیرد. پس از این لعن کاملاً عام و فراگیر، دوباره افراد خاصی نفرین شده‌اند: «اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ وَ أَبَاهُ، وَ الْعَنُ عَبِيدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ»، سپس دوباره سیاق تغییر یافته و افرادی به شکل طایفه‌ای و عام، نفرین شده‌اند: «وَ آلَ مَرْوَانَ وَ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، فقره پایانی زیارت عاشورا در کامل‌الزیارات، مشوش و مضطرب است.

با نگاهی به فقره پایانی زیارت عاشورا در مصباح‌المتهجد، درمی‌یابیم که آن عبارت‌ها، سیاقی کاملاً موزون دارد؛ در آنجا نخست افراد خاص و سپس طایفه‌ها به شکل عام نفرین شده‌اند. این اشکال بلاغی در فقره پایانی زیارت عاشورا در کامل‌الزیارات نیز موجب می‌شود که احتمال وقوع تغییر به دلیل تقیّه در آن قوت گیرد و عبارات مصباح‌المتهجد در این فقره بر آن ترجیح یابد.

۱۰. معیار سازگاری با سیره معصومین (ع)

در صفحه ۱۷۳ می‌خوانیم:

۳-۵. معیار سازگاری با سیره معصومین (ع)

... به عنوان یک اصل کلی، می توان گفت: اساساً سیره عمومی پیامبر اعظم ص و اهل بیت علیهم السلام، تصریح به لعن با ذکر نام نیست و اگر موارد نادری یافت شود که از اسناد معتبر برخوردار باشد، استثناء و مربوط به شرایط ویژه است و نباید تعمیم داده شود.

نقد و بررسی:

در عبارت مورد بحث: «اللَّهُمَّ خُصِّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ أَوَّلَ بِهٍ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ»، هیچ کس صریحاً با ذکر نام، لعن نشده است؛ بنابراین با سیره معصومین علیهم السلام، هیچ ناسازگاری ندارد.^۱ با این بیان، متن «الف» بر اساس «معیار سازگاری با سیره معصومین علیهم السلام» نیز بر متن «ب» ترجیح ندارد.

۱۱. ندرت عبارت

در صفحه ۱۷۵ در زیر عنوان ندرت عبارت «أَوَّلًا بِهٍ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ» آمده است:

«با جستجوی رایانه‌ای با استفاده از نرم افزارهای «جامع الاحادیث»، «نورالجنان» و «مکتبه اهل البیت علیهم السلام» روشن شد که مشابه عبارت مورد بحث (أَوَّلًا بِهٍ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ) جز در نسخه مشهور زیارت عاشورا، در هیچ زیارت مأثور دیگری نقل نشده است. در واقع، این شیوه که مبتنی بر شماره گذاری است با شیوه قریب به اتفاق زیارات مأثور متفاوت است. اگر سبک بیان قریب به اتفاق زیارات مأثور را سبک اهل بیت علیهم السلام بدانیم، صحت انتساب این عبارت به معصوم علیهم السلام تضعیف و احتمال تحریف نسخه یا نقل به معنا از سوی راویان تقویت می شود.

۱. برای آشنایی با هماهنگی لعن‌های زیارت عاشورای مشهور با سیره معصومین علیهم السلام و سیره مشرعه و دیگر روایات و زیارات بنگرید به: میزان تشیع، عندلیب همدانی: ۱۹۵-۲۱۱.



طبعاً، همگونی با سبک شناخته‌شده ائمه علیهم‌السلام در انشاء زیارات می‌تواند مؤیدی برای ترجیح یک‌وجه بر وجوه دیگر باشد.

نکته دیگر آن است که بجز زیارت عاشورا، در هیچ‌زیارتی حتی «معاویه» با ذکر نام لعن نشده است. این بدین معنی است که اهل‌بیت علیهم‌السلام در انشاء زیارت‌ها، از ذکر نام معاویه نیز پرهیز می‌کردند. ...»

نقد و بررسی:

این‌گونه نیست که همگونی با «سبک بیانی شناخته‌شده از سوی ائمه علیهم‌السلام»، معیاری باشد برای ترجیح یک حدیث نسبت به حدیثی که با این سبک ناهمگون است. در میان ملاک‌های اعتبارسنجی حدیث، چنین ملاکی را نمی‌شناسیم. بر مؤلفان ارجمند لازم است پیش از بهره‌مندی از این ملاک، اعتبار آن را اثبات کنند.

اگر این ملاک معتبر باشد، بسیاری از روایات صادرشده از معصومین علیهم‌السلام بی‌اعتبار یا کم‌اعتبار خواهند شد؛ زیرا سخنان نغز آن امیران کلام، در موارد فراوان دارای سبکی متفاوت با سایر کلمات ایشان است.

به‌عنوان مثالی روشن، آیا درست است بگوییم: خطبه بی‌الف یا بی‌نقطه که از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده معتبر نیست؛ زیرا این سبک از بیان را در سایر روایات نقل‌شده از اهل‌بیت علیهم‌السلام سراغ نداریم؟

البته، اگر کلامی که به اهل‌بیت علیهم‌السلام نسبت داده شد از دیدگاه محتوا و مفهوم، با سایر تعالیم شناخته‌شده آن پیشوایان هدایت، نامتناسب و ناهمگون باشد، نمی‌توان آن کلام را به‌ایشان نسبت داد؛ مانند بخش دوم دعای حضرت امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه که علامه بزرگوار مجلسی پس از نقل آن در بحارالانوار می‌نویسد:

«أقول: قد أورد الكفعمی؟ رح؟ أيضا هذا الدعاء فی البلد الأمین و ابن طاووس فی مصباح‌الزائر كما سبق ذكرهما، و لكن لیس فی آخره فیهما بقدر ورق تقریبا و هو من قوله «إلهی أنا الفقیر فی غنای» إلی آخر هذا الدعاء، و كذا لم یوجد هذه الورقة

۱. بنگرید به: المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱: ۳۲۶.

فی بعض النسخ العتیقة من الإقبال أيضا، و عبارات هذه الورقة لا تلائم سياق أدعية السادة المعصومین؟ عههم؟ أيضا و إنما هی علی وفق مذاق الصوفیة، و لذلك قد مال بعض الأفاضل إلى كون هذه الورقة من مزیدات بعض مشایخ الصوفیة و من إلحاقاتہ و إدخالته»^۱.

اگر ملاک «ندرت عبارت» را معتبر بدانیم، نه تنها در فقره پایانی زیارت عاشورای مشهور، بلکه لازم است در عبارت‌های متعددی از این زیارت، وقوع تحریف را تقویت کنیم؛ مانند عبارت: «لَعْنُ اللَّهِ شِمْرًا»، «لَعْنُ اللَّهِ بَنِي أُمَيَّةَ فَاطِمَةَ» و نیز: «لَعْنُ اللَّهِ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ» که در هیچ‌یک از زیارات مأثور از اهل بیت (ع) چنین عباراتی نیافتیم. جالب است که در این مقاله تصریح شده است:

نکته دیگر آن است که بجز زیارت عاشورا، در هیچ‌زیارتی حتی «معاویه» با ذکر نام لعن نشده است.

اگر ملاک «ندرت عبارت» درست باشد، لازم است مؤلفان گرامی، احتمال وقوع تحریف در عبارت: «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبِيسْفِيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ» در زیارت عاشورا را نیز تقویت کنند؛ در حالی که این عبارت در زیارت عاشورای کامل‌الزیارات نیز آمده و در این مقاله زیارت عاشورای کامل‌الزیارات معتبر دانسته شده است!

منابع

- ابن اثیر جَزَرِي، علی بن محمد (۱۳۸۶ش)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى، ۱۸ مجلداً+الفهارس، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۴۱۷ق)، کامل‌الزیارات، الطبعة الأولى، قم المقدسة، مؤسسه نشر الفقاهة.

۱. بحار الأنوار، العلامة المجلسی، ج ۹۵: ۲۲۹.

- التستري، محمدتقي (١٣٧٤-١٢٨١ش)، أخبار الدخيلة، بي تا، تهران، مكتبة صدوق.
- الذهبي، محمد بن أحمد (١٤٠٩ق)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، الطبعة الأولى، صدر منه حتى الآن ٤٣ مجلداً، بيروت، دارالكتاب العربي.
- الذهبي، محمد بن أحمد (١٤٢٤ق)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام تحقيق بشار عواد معروف، الطبعة الأولى، ١٧ مجلداً، بيروت، دار الغرب الإسلامي.
- الذهبي، محمد بن أحمد (١٩٦١م)، العبر في خبر من عبر، التراث العربي.
- طوسي، محمد بن حسن (١٤١١/١٩٩١م)، مصباح المتهجد، إعداد علي أصغر مرواريد، الطبعة الأولى، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة.
- طهراني، أبي الفضل بن ابوالقاسم (١٣٧٦ش)، شفاء الصدور في شرح زيارة العاشور، تهران، المكتبة المرتضوية.
- قطب الدين الراوندي، سعيد بن هبة الله (١٤٠٩ق)، الخرائج و الجرائح، ٣ مجلدات، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام.
- مجلسي، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ١١٠ مجلد (إلا ٦ مجلدات، من المجلد ٢٩ الى ٣٤)، بيروت، مؤسسة الوفاء.
- محمودي، سيد مهدي (١٤٠٠)، زيارت عاشورا از آغاز تا امروز، چ نخست، قم، مؤسسة كتاب شناسي شيعه با همكاري آستان قدس حسيني.
- مسكويه الرازي، أبي علي أحمد بن محمد بن يعقوب (١٣٧٩ق)، تجارب الامم، تحقيق ابوالقاسم الإمامي، الطبعة الثانية، ٧ مجلدات، طهران، سروش.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی